

# عوامل مؤثر در تبلیغ وهاپیٓت(1)

## عوامل مؤثر در تبلیغ وهابیت (1)

هرچند دولت های استعماری در پیدایش فرقه وهابیت و همچنین استمرار و گسترش این تفکر بسیار تاثیر گذار بوده است اما عواملی دیگری نیز وجود داشته است که در این موضوع نقش مهم و حیاتی را ایفا نموده است. موقعیت جغرافیای یکی از عوامل مهم و اساسی در گسترش اندیشه و تفکر وهابیت به شمار می آید زیرا با پدیدار شدن این جریان در سر زمین وحی و نزدیکی با حرمین شریفین، مرکز اصلی جغرافیای جهان اسلام، زمینه ای مناسبی را برای تبلیغ و ترویج اندیشه ای وهابیان فراهم کرده بود. منابع سرشار طبیعت و ثروت عظیم نفت سرزمین عربستان که بخشی عظیم آن صرف تلاش هایی برای تبلیغ وهابیت در جهان اسلام و فراسوی آن می شود از عوامل مهم و حیاتی گسترش جریان وهابیت به حساب می آید که اگر این دو عامل فوق نبود وهابیگری به صورت جنبش فرقه گرایانه کم اهمیت و ناپایدار به تاریخ سپرده می شد. اما عواملی دیگری نیز مانند ضعف فرهنگی، دینی و اقتصادی سر زمین خاستگاه وهابیت، سر دادن شعار های جذاب و مذهبی، اشتراک قومی و فرهنگی با کشور های منطقه، عملکرد برخی مسلمانان نا آگاه و افراطی و... از دیگر عواملی است که می توان در پیشرفت و گسترش جریان وهابیت نقش داشته باشند.

### مقدمه

طبیعی است که هر پدیده ای نوظهوری بنام یک مکتب و یا مذهب برای پیشبرد اهداف و گرایش دیگران به سوی خویش سعی و تلاش می ورزد و می کوشد با هر ابزار و رسانه ای ندا و پیام خویش را به دنیا برساند و افرادی را به سوی جذب نماید. هر چند ریشه ای انحرافی وهابیت به قرن هفتم و هشتم هجری به زمان احمد ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی و ابن عبدالهادی و بر بهاری می رسد اما وهابیگری بطور رسمی در قرن دوازدهم هجری با کمک استعمارگران به دست محمدابن عبدالوهاب به عنوان یک مذهب پدیدار و منتشر شد. حال مسئله این است که جریان وهابیگری که در تاریخ کاملا طولانی و پر بار اندیشه ای اسلامی جایگاهی ندارد و از اصالتی عقلانی نیز بر کنار بوده است علاوه بر این که با داعیه ای اسلام انحصاری با سایر فرق و مذاهب مسلمین نیز همسویی نداشته بلکه مخالفین را با القاب همچون مشرک، کافر، بدعت گذار و... نام می برد چگونه توانست در کشور های اسلامی و فراسوی آن گسترش پیدا کنند و چه علل و عواملی در کار بوده است که از زمان آغاز وهابیگری تا امتداد عصر حاضر گرایش و جذب افراد داشته است تا جای که بر مهمترین نقطه تاریخی و ارزشمند اسلام یعنی سرزمین مقدس وحی مسلط گردد بطور که نه تنها بر سرزمین زر خیز عربستان استیلا یافته بلکه در برخی کشورهای اسلامی و فراتر از آن هم نفوذ داشته باشد. این نوشتار بر آن است که در این زمینه پژوهشی مختصری داشته باشد تا علل و عواملی که در پیشرفت این جریان تاثیر داشته اند را مورد کاوش قرار دهد.

### 1) تفرقه و پراکندگی مردم

یکی از عوامل نفوذ و پیشرفت وهابیت در سرزمین نجد و خاستگاه اصلی شان تشتت و

پراکندگی آن سرزمین بود، مردم آنجا که که از از هرج و مرج و قتل و خشونت و پراکندگی به شدت خسته بودند و تشنه ای وحدت و آرامش و یکپارچگی بودند در چنین شرایطی وهابیت با شعار وحدت و انسجام مسلمین وارد شدند و مردم آن سر زمین براحتهی پذیرا بودند. نگارنده کتاب جنبش های اسلامی معاصر در تاریخچه ورود وهابیت در سر زمین نجد می نگارد: سرزمین نجد که مرکز پیدایش و نشر دعوت وهابیت در قرن 18 م. / 12ه است ناحیه ای وسیع از شبه جزیره عربستان به شمار می آید و قبل از نفوذ وهابیت، جزو قلمرو امپراتوری عثمانی به شما می رفت. ترکهای عثمانی از قرن شانزدهم میلادی با تصرف سر زمین های مانند حجاز، عسیر، یمن، عراق و بعد ناحیه الحسابه سواحل خلیج فارس رسیدند. در همان قرن کشور های بریتانیا، هلند و پرتغال نیز شروع به ساختن پایگاه هایی در ساحل شرقی عربستان کردند. بلندی های نجد آن روز و مرکز آن یعنی ریاض جزو بیابانها محصور عربستان داخلی محسوب می شد و از این جهت برای کشور های خارجی مهاجم، این ناحیه بیابانی و تسخیر ناپذیر، دور افتاده و کم اهمیت جلوه می کرد. وقتی ترکان در قرن هفدهم توسط جنبش امامهای زیدی در یمن اخراج گردید، در حجاز نیز ترکان فقط در ظاهر قدرت داشتند اما عملاً و در واقع سادات و شریفها بر آن حکومت می کردند. سرزمین نجد به چند قسمت تقسیم شده بود و در هر منطقه ای امیر و حاکمی از اشراف و رؤسای قبایل قرار داشت اما به دلیل وضعیت جغرافیایی و فرهنگی همواره با یکدیگر در ستیز و جدال بودند. روابط اجتماعی حاکم بر شبه جزیره و نجد، بر نوعی «پدر سالاری» زندگی قبیله ای مبتنی بود. از لحاظ شغلی مردم عمدتاً با گله داری، چادر نشینی و کشاورزی مرور ایام می نمودند. اعراب بدوی و قبایل، تحت نفوذ شیوخ و امرای خود، همیشه بر سر چراگاه با یکدیگر در نزاع و مبارزه بودند. و اما در یک تقسیم می توان نجدیان به دو دست شهرنشین و بدوی تقسیم نمود اما اغلب آنها بادیه نشین بودند و در هرج و مرج، پراکندگی، جهل و خرافات، فقر و فلاکت، زور و خشونت، قتل و غارت، تعدی و تجاوز، بریدگی و بیخبری از علم و صنعت و دنیای خارج از دیار خود به سر می بردند بطور که شهرکها و روستاهای عربستان و نجد نیز در معرض حمله و غارت آنها قرار داشت. این امر در از بین بردن ثبات اجتماعی جلو گیری از رشد و پیشرفت اقتصادی آنها مؤثر بود. دیگر از ویژگیهای آن سر زمین این بود که در آنجا قانون و مقرراتی حاکم نبود و در ابتدای قرن 18 م. / 12ه، در سرزمین نجد و شبه جزیره، سازمان دولتی واحدی وجود نداشت. بدویان و افراد قبایل تابع شیوخ و امرای خود بودند. در چنین وضعیتی جنبش وهابیت پا گرفت و با وجود بر خورد با برخی موانع، با کمک امرای سعودی و از طریق زور و خشونت، رو به رشد و گسترش نهاد. در نتیجه می توان گفت زمینه های داخلی آن سرزمین بویژه پراکندگی و تفرقه و تشتت سیاسی، اجتماعی، مذهبی و قبله ای در عربستان داخلی و منطقه ی نجد موجب شد که مردم آنجا، به شعار های وهابیت دل بندد و دعوت وهابیان به وحدت و انسجام را بپذیرند؛ زیرا بر خلاف دیگر مناطق شبه جزیره که در گیر مبارزه با مهاجمان بودند، نجدیان در درجه اول نیازمند ایجاد وحدت برای رفع ضعف و عقب ماندگی خود بودند.<sup>1</sup> از این رو به تعبیر یکی از نویسندگان روسی که می گوید «در عربستان داخلی، در نجد جنبش وحدت مجبور به مبارزه با مهاجمان نبود؛ مبارزه در آنجا فقط به خاطر یکپارچگی قبایل عرب، به خاطر تمرکز امارات نشینهای پراکندهء نجد برای اتحاد سر زمینهای عربی در یک جامعه ی سیاسی واحد نبود. این مبارزه بر یک ایدئولوژی مذهبی که وهابیت نام داشت استوار بود».<sup>2</sup> یکی از چیزهای که بر این پراکندگی سیاسی و اجتماعی مردم سر زمین نجد کمک می کرد، وجود آیینها مختلف، اعتقادات و مراسم قبله ای محلی و خاص بود؛ یعنی با اینکه همگی آنها مسلمان بودند، این تنوع در اعتقادات و آیینها باعث شده بود که گسیختگیها و پراکندگی های سیاسی - اجتماعی بسیاری در بین آنها به وجود آید؛ تا آنجا که نویسنده روسی مذکور آن را از

موانع جدی وحدت سیاسی اعراب به شمار می آورد.<sup>3</sup> نظیر این قضیه در افغانستان در زمان بدو ورود طالبان (که دست پرورده وهابیان بود) در افغانستان به خوبی تکرار شد و با همان شیوه شیخ محمد در سر زمین نجد، وارد شد و موفقیت بدست آورد زیرا در سال 1358 که افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی مورد اشغال قرار گرفت، مردم افغانستان سالهای متمادی با این ارتش ابر قدرت متجاوز دست و پنجه نرم کردند و مقاومت بخرج دادند تا سر انجام نیروهای متجاوز را شکست دادند و در سال 1367 آخرین سرباز شوروی از افغانستان خارج شد اما وقتی مجاهدین در سراسر افغانستان مستقر شدند بعد از مدتی بین مجاهدین به دلیل اختلاف قومی، مذهبی، مسائل سیاسی و قدرت طلبی تشنگان قدرت از یکسو، دخالت دولت های کشور های خارجی و نفوذ آنان در بین گروه ها از سوی دیگر، باعث شد که جنگ داخلی در افغانستان پدید آید. مردم افغانستان که سالهای زیاد در مقابل دشمن مشترک و بیگانه از دین وطن و مردم خود دفاع نموده و صدها هزار شهید دادند و با تمام توان مقاومت ورزیدند در حال که هنوز خستگی این مقاومت ها بر تن و اندام شان باقی مانده بود بار دیگر قربانی جنگ های داخلی گردید و تلخ ترین شرایط را تجربه می کرد جنگ های قومی و مذهبی بیداد می کرد رویارویی گروه های سیاسی آرامش را از همه جا گرفته بود روحیه مردم از این تنش ها خسته بود و نیاز به وحدت و امنیت داشت در چنین شرایطی در سال 1373 گروه طالبان در قندهار ظهور پیدا کرد و با حمایت های خارجی و همکاری تروریسم بین المللی و شعار های فریبنده همچون تطبیق دستورات اسلام، ایجاد امنیت در بین مردم و مخالفت با کشور های بیگانه و... به فاصله بسیار کوتاه پیشرفت چشمگیری داشته و در سال 1375 قدرت را بدست گرفت.

## 2) ضعف فرهنگی، دینی و اقتصادی سر زمین نجد

یکی از امور که سبب شد مردم تحت تأثیر دعوت محمد بن عبدالوهاب قرار گیرد و بستر را برای گسترش تفکر او فراهم کرده بود، وضعیت ضعف فرهنگی، دینی و اقتصادی سر زمین نجد ( محیط اعلان دعوت محمد ابن عبدالوهاب ) بود. بر اساس گزارشهای تاریخی، ابن عبدالوهاب در سر زمین های که از وجود عالمان اسلام شناس و تفکر و مردمانی که از فرهنگ غنی اسلام بر خوردار بودند، موفق نبود زیرا به محض اظهار عقیده، دانشمندان اسلامی، او را تکفیر و تفسیق می کردند و از شهر اخراج می شد همانطور که در اوائل از طرف استادش بنام « عبدالله بن عبداللطیف شافعی» و برادرش « شیخ سلیمان عبدالوهاب النجدی حنبلی» طرد و در رد او کتاب نوشتند.

اسدعلیزاده می گوید:

اما مردم عادی و بدوی نجد به سبب نبود دانشمندان اسلامی روشنگر، دعوت او را پذیرفتند. جهل فرهنگی و اعتقادی مردمان این منطقه زبانه تاریخ است اینان مردمانی بدوی و نا آگاه از آموزه های حقیقی اسلام بودند که برای پذیرش هر سخن تازه آمادگی داشتند بویژه اگر به مسئله دعوت ابن عبد الوهاب که همراه با متهم ساختن تمام مسلمانان به شرک و بت پرستی، و حلال بودن ریختن خون مردم مسلمان و به غنیمت بردن ثروت آنان بود اعلام کرد این سخن، بدویان صحراگرد ساده اندیش و گرسنه را برای غارت و چپاول اموال دیگر مسلمانان بر می انگیخت.<sup>4</sup>

علی اصغر فقیهی در کتب وهابیان چنین می گوید:

در زمان شیخ محمد سر زمین نجد نقطه دور افتاده بود که محل رفت دیگران به آنجا بسیار اندک بود و از نجدیان نیز بخارج کمتر سفر می کرد. به عبارتی ساکنان نجد، مردمی بودند که در حالت بساطت و سادگی و بی خبر از همه جا و همه چیز، اذهان شان از آنچه در دنیا می گذشت

خالی و فکر شان از هر اندیشه و عقیدتی جدید تهی بود. طبیعی است که مردمی این چنین زیست می بایست خیلی زود تحت تعلیمات امثال شیخ محمد قرار بگیرند و با تعصب از آن دفاع کنند و حتی از بذل جان خود در راه آن دریغ نوزند. حال اگر فرض کنیم که دعوت وهابی گری در محیط دیگری غیر از نجد و در شرایطی غیر از شرائطی که در آن سر زمین حاکم بود اظهار می شد، آیا بازهم با چنین پیشرفت مواجه می شد؟ و نظیر آنچه در نجد نصیب آنها شد پیدا می کرد؟ به نظر می رسد جواب منفی باشد زیرا برخی از دعوت کنندگان وهابی به شرحی که در آخر کتاب (وهابیان) ذکر خواهد شد، دعوت وهابی گری را در چند ناحیه غیر از نجد، آغاز کردند و افراد مبرزی به نشر آن تفکر و اندیشه، همت گماشتند و در برخی مناطق مانند پنجاب هند، ناشران دعوت، با همان متد و روشی که شیخ محمد و اتباعش در نجد معمول می داشتند دست به فعالیت زدند، اما هیچ یک از این کوشش ها به نتیجه مطلوب نرسید<sup>5</sup>

آیت الله مکارم شیرازی در مقایسه بین موفقیت محمد ابن عبدالوهاب در سر زمین نجد و عدم موفقیت ابن تیمیه در سرزمین شام، می نگارد: یکی از دلیل عمده آن این بود که دمشق و شام یکی از مراکز علوم اسلامی در آن زمان بود، و علمای برجسته و حوزه های علمیه فراوانی داشت؛ آنها بصورت وسیع در برابر اشتباهات ابن تیمیه به مقاومت برخاستند، و با این که طرفداران قابل ملاحظه پیدا کرده بود، نفوذ او را با دلائل منطقی در هم شکستند، در حالی که سر زمین نجد از این نظر در آن زمان بسیار فقیر بود، و شبهات سر سلسله این گروه با مقاومت چندانی رو برو نشد و در میان عوام گسترش یافت. در طول تاریخ هر منطقه زیر پوشش علما و دانشمندان آگاه بوده است، از این آفات مصون مانده است<sup>6</sup> علی اصغر رضوانی در این مورد مقایسه فوق می نگارد: «از آنجایی که افکار باطل ابن تیمیه در منطقه شامات که مهد علم و دانش بود، با انتقادات و اعتراضات علماء و دانشمندان مذاهب مختلف مواجه گردید و باعث انزوای ابن تیمیه گشته، افکار و عقاید وی در بوته فراموشی سپرده شد. ولی در قرن 12 ه.ق. این افکار در منطقه نجد که عاری از تمدن و فاقد فرهنگ بود، مجدداً منتشر شد و پس از آن توسط قدرت سعودی و با پشتیبانی قدرت های استعماری به ترویج آنها پرداخته شد»<sup>7</sup>.

آیت الله جعفر سبحانی می نگارد:

«دو چیز به انتشار دعوت محمد بن عبدالوهاب در میان اعراب بادیه نشین نجد کمک کرد: 1- حمایت سیاسی نظامی آل سعود 2- دوری مردم نجد از تمدن و معارف و حقایق اسلامی»<sup>8</sup>.

علیرضا کمیلی در فصلنامه فرهنگ پویا، موارد ذیل را عوامل مؤثر در جذب و نفوذ وهابیت بر می شمارد:

#### الف- فقر و تبعیض

از عواملی که برای پیشرفت تبلیغ وهابیت کمک کرد می توان عامل فقر و رفتار تبعیض آمیز را قلمداد کرد زیرا به تجربه نشان داده است که فقر و مشکلات مالی در برخی مناطق سنی نشین و حتی شیعه نشین کشور، وهابی های پولدار را با توفیقاتی روبرو ساخته و از طرفی برخی کج سلیقگی های فردی اعمال شده و رفتار تبعیض آمیز میان سنی و شیعه به نا رضایتی ها دامن زده است و زمینه گرایش به وهابی ها را (نه از باب علاقه که از باب اعتراض به وضع موجود) فراهم کرده است.

#### ب- ضعف ایمان نسل جدید

بشر که غالباً سرو کاری با عالم فیزیک و ماده دارد باور داشتن به امور غیب و متافیزیکی را می توان با اعتقاد راسخ آموزه های متین دینی هضم کرد به طور که اگر این باور با نیروی ایمان ساپورت نشود در معرض آسیب خواهد بود، لذا وهابیت از همین اهرم استفاده کرده و سراغ افراد ضعیف الایمان و مدرنیزه شده غرب رفته و در دام خویش گرفتار می نماید زیرا آموزه های

وهابیت از نظر غیب زدایی و نفی عوامل متافیزیکی، همگرایی جدی ای با فرهنگ الحادی غرب دارد و از همین منظر تاثیر پذیرفتگان از فرهنگ مدرنیته و رسانه های غربی ( بویژه در نسل جوان) بخصوص از طریق اینترنت و دانشگاه ها را در همین راستا بتوان توضیح داد.

ج- نا آگاهی دین داران

یکی از روشها و ابزار های که وهابیت برای دست یافتن به اهداف شان استفاده می کنند منحرف کردن دین داران نا آگاه و ساده لوح است البته نادانی و نا آگاهی، همواره بزرگترین دستاویز انحرافات در همه جریان های مذهبی بوده و توانسته است در میان دین باوران نا آگاهی که با بدنه علماء و نخبگان دین کمتر ارتباط داشتند اند. اثر بگذارد و با شستشوی مغزی و تحریک احساسات مذهبی آنها، طرفداران و هواداران جان بر کفی برای خودشان تربیت کنند. افراطی های پاکستان و گروه ریگی و القاعده که جوانانی خام وسطی با دغدغه دینی اند، نمونه خوبی برای این مساله به شمار می آید.

د- رفتار های تفرقه آمیز

وهابیت برای رسیدن به اهداف شان از وسیله تفرقه میان تشیع و اهل سنت به خوبی استفاده می کنند و برخی از گروه های اهل سنت که در طول سالهای متمادی با شیعیان زندگی مسالمت آمیز داشته اند تلاش می کنند در مرحله اول بین شان تفرقه ایجاد کنند و بعد به سوی خود شان جذب نمایند. بر همین اساس برخی کسانی که حرکت های افراطی و وحدت شکن دارند و دست به اعمال تفرقه آمیز می زنند در واقع گامی برای پیشرفت فرقه وهابیت برداشته است.<sup>9</sup>

### 3) همکاری آل سعود

همکاری حاکمان وقت و تشنگان قدرت یکی دیگر از عوامل موفقیت و پیشرفت وهابیت بود که برای تداوم حکومت خوشان دست پیمان همکاری متقابل بسوی محمد ابن عبدالوهاب دراز کردند و همواره بر مفاد این پیمان و معاهده تلاش می کردند. حاکمان آل سعود از ابتدای دعوت دعوت محمد ابن عبدالوهاب تا هنوز پیوسته با وهابیت همکاری و در خدمت آنان قرار گرفته اند در کتاب «وهابیان را بهتر بشناسیم» آمده است: [....] با پدرش به شهر «حریمله» هجرت کرد ف و تا وفات پدر در آنجا ماند؛ در حال که پدرش از او راضی نبود. از آنجا که محمد بن عبدالوهاب، عقاید خرافاتی خود را که بر خلاف عامه مسلمانان بود و در حقیقت همان عقاید ابن تیمیه بود منتشر می ساخت، بعد از فوت پدرش خواستند او را بکشند که به شهر «عینیه» فرار کرد. قرار شد امیر شهر، عثمان بن معمر، او را یاری کند تا بتواند افکار و عقایدش را در جزیره العرب منتشر سازد. و برای تأکید این میثاق، امیر عینیه خواهرش جوهره را به نکاح محمد بن عبدالوهاب در آورد. لکن این میثاق و ازدواج دوام نیاورد. به همین دلیل از ترس این که امیر او را ترور کند به «درعیه» شهر مسیلمه کذاب، فرار کرد. از همان موقع که در «عینیه» بود به کمک امیر شهر در صدد اجرای عقاید و افکار خود برآمد و قر زید بن خطاب را خراب کرد و این منجر به فتنه و آشوب شد. در «درعیه» نیز با محمد بن سعود-جدآل سعود- که امیر آن شهر بود، ملاقات کرد. قرار شد محمد بن سعود هم او را یاری کند و در عوض، او نیز حکومتش را تأیید نماید. محمد بن سعود به جهت تأیید این میثاق، یکی از دختران خود را به نکاح او در آورد. اولین کاری او این بود که حکم به کفر و شرک و ترور امیر «عینیه» داد و سپس آل سعود را برای حمله به «عینیه» تشویق کرد. در اثر آن حمله تعدادی زیادی کشته، خانه هایشان غارت و ویران شد و به نوامیس شان هم تجاوز نمودند.<sup>10</sup> در جای دیگر آمده است که وقتی محمد بن عبدالوهاب به درعیه آمد و با محمد بن سعود در ارتباط شد همان پیمانی را که با امیر عینیه بسته بود با محمد بن سعود

نیز بست ولی همکاری محمد بن سعود با او به دو شرط منوط بود که برای شیخ محمد طرح کرد؛ یکی این که در قبال این که ما ترا یاری کردیم و به کشورها دست یافتیم ما را ترک نکنی و در جای دیگر سکنا نگزینی! و دوم این که ما در شهر درعیه قانون مالیات گیری از میوه های مردم در فصل رسیدن، داریم تو باید متعهد شوی که این قانون و درآمد اقتصادی ما را لغو نکرده و فرمان تحریم مالیات گیری را صادر نمایی! و شیخ محمد نیز این دو شرط را قبول نموده و اظهار نمود که من ترا با دیگری به هیچ عنوان عوض نخواهم کرد و خدا در فتوحاتی که نصیب ما خواهد کرد، غنایمی قرار خواهد داد که تو را از این مالیات نا چیز بی نیاز سازد. این پیمان همکاری بین هر دو محمد بسته شد و ابن سعود از این پیمان و معاهده خوشحال بود. این پیمان تاکنون در شعاع گسترده ای محفوظ مانده است. محمد بن عبدالوهاب بعد از این معاهده به فعالیت خویش شروع کرد و به تمام رؤسای قبائل و مردم نجد نامه نوشت و آنها را به سوی پذیرش دعوت مذهب خود فرا خواند. برخی پیروی کردند و برخی دیگر بی اعتنایی کردند و شیخ محمد با عنوان جهاد علیه کفر و شرک و بدعت گذاران، با همکاری ابن سعود، لشکری تشکیل داد و علیه مسلمانان قیام کردند و به شهرها و روستاهای مسلمان نشین یورش بردند و مردم را ب خاک و خون کشیدند و تمام اموال و دارایی آنها را به عنوان غنایم جنگی به غارت بردند.<sup>11</sup>

#### 4) سردادن شعارهای مذهبی

از عوامل دیگر موفقیت وهابیان، استفاده وهابیان از شعارهای مذهبی بود که در جنگ با مخالفان به ویژه شیعه به کار می گرفتند. آنها با شعارهای همچون بدعت زدایی و جهاد با کافران و مشرکان، روحیه جهادی در بین مردم القا می کردند و عوام الناس را پیرامون رهبران شان گرد می آوردند و با این روش مرموزانه و خوارچ گونه به تمام جنایات شان رنگ مذهبی می دادند و آن را فریضه دینی پنداشته و به قصد قربت انجام می دادند چنانکه طالبان وقتی سرهای مخالفین شان را از بدن جدا می کردند لاله الا الله می گفتند. علی اصغر فقهی می گوید: «شیخ محمد، جنگ با مخالفان خود را که نام جهاد بر آن می نهاد جزو اصول کار خویش قرار می داد تا اتباع او به قبائل و نواحی دیگر حمله برند و پس از غلبه بر دشمنان، اموال ایشان را تصاحب کنند و سرزمین شان را متصرف شوند. بادیه نشینان که به این امور عادت داشتند، بدان روی آوردند، بویژه که اغلب آنان با یکدیگر دشمن بودند و هر قبیله برای حمله به قبیله دیگر آمادگی داشت.»<sup>12</sup> در کتاب چالش های فکری و سیاسی وهابیت آمده است: شعار جهاد با کافران و مشرکان، یکی از عوامل موفقیت آمیز وهابیت بود محمد بن عبدالوهاب از این حربه خوب به نفع خویش استفاده کرد زیرا این حربه همیشه مورد توجه مسلمین قرار داشت و امتیازهای زیادی را برای آنها داشت. در این راستا تمامی اختلافات و درگیری ها رنگ مذهبی و اعتقادی به خود می گیرد و در نتیجه مسلمین و پیروان فرقه های مختلف اسلامی، با قصد قربت و فریضه دینی در این درگیری ها و صحنه های نبرد حضور می یابند و بر این اساس، با احساس رضایت از رفتار خود، غریزه ای معنوی خود را هم ارضامی نمایند<sup>13</sup> در حقیقت می توان گفت وهابیت عقاید مردم را به بازی گرفت و از این را منافع خود شان را تامین کرد. در واقع شعارهای جذاب و از جمله تکفیر دیگران یک وسیله ای بود برای وهابیت که با آن مال و زندگی مردم به راحتی مورد تجاوز و تصاحب قرار می گرفت، سر زمین شان اشغال و تصاحب می شد چنان که فؤاد ابراهیم در کتاب «شیعیان عربستان» می نگارد: می توان گفت حکومت آل سعود بر اساس تکفیر جوامع همسایه با هدف مشروعیت بخشیدن به تجاوز و تعرض به سر زمین شان، اشغال مناطق آنان و مصادره اموال شان بنیان نهاده شده است، گرایش به توسعه طلبی که از ارکان تفکیک نا پذیر و ذاتی ایدئولوژی وهابی به شمار می آید و در نهایت یکی از ویژگی های

رژیم سعودی را تشکیل می دهد. تعبیر متداول از سنت اسلامی حاکی از این است که جنگ علیه مشرکان یک تکلیف شرعی بوده است که باید توسط مؤمنان و با اهداف اجرای شریعت خداوند و بنیان نهاده امت اسلامی به اجرا در آید. این اصل چنانچه در قالب ایدئولوژی وهابی به اجرا در آید بر افروختن جنگ علیه تمام مسلمانانی که ایمان شان نا خالص است را مجاز می شمارد.<sup>14</sup> علی الوردی جامعه شناس عراقی می گوید: حکم تکفیردیگران از عوامل پیشرفت وهابیت بود و با این دستاویز مشروعیت جنگ با مخالفان خود را به دست می آورد و با این امید که به اموال و غنایم دست یابند. وی معتقد است که اگر این دستاویز مهم نبود ترغیب و کشاندن قبائل اعراب بادیه نشین به پذیرش دعوت وهابی گری امکان پذیر نبود بلکه قبول دعوت، راه وهابیون را برای حمله و تجاوز به مناطق دیگران را گشود و مطابق با تعالیم دینی، امکان انباشتن و تصرف در اموال و غنایم فراوان در روی زمین، علاوه بر آنچه که در بهشت به آنان بشارت می دادند را فراهم آورد.<sup>15</sup>

در کتاب شیعیان آمده است:

ایدئولوژی وهابیت در مراحل آغازین آن به سوی باز آفرینی قاطعانه الگوی امت اسلامی در قرن هفتم گرایش داشته است. این ایدئولوژی رعب آور و جاه طلبانه بر مبنای یک جهان بینی محکم بنیان نهاده شده بود که بر اساس آن تمامی نا پاکی ها و اعمال شرورانه و اهریمنانه مسلمانان عصر حاضر با ید ریشه کن شده و اصول و معیار های اسلام واقعی، دقیقاً همانگونه که توسط اجداد پرهیزگار مورد تأسی وهابیون از جمله امام احمد حنبل، شیخ الاسلام ابن تیمیه و شیخ ابن القائم الجوزیه درک، تعبیر و تفسیر شده بود جا گزین گردد. این ایدئولوژی از دو گرایش در هم تنیده تشکیل یافته است: نخست تکفیر تقریباً تمامی مسلمانان غیر وهابی، صرف نظر از غیر مسلمانان، که خود نمایان گر جهان بینی وهابیت است و دوم تغییر افراط گونه جهان از طریق اجرای مجموعه ای از تعارضات و تهاجمات با هدف احیا و بیداری امت اسلامی.<sup>16</sup> علی اصغر رضوانی در کتاب «وهابیان را بهتر بشناسیم» می نگارد: «پس از پیروزی بر «عینیه» به سر زمین های دیگر لشکر کشی کرده و به بهانه ای گسترش توحید ونفی «بدعت»، «شرک» و مظاهر آن، از میان مسلمین به سر زمین نجد و اطراف آن؛ مثل یمن و حجاز و نواحی سوریه و عراق، حمله ور شدند، وهر شهری که عقاید آنان را قبول نمی کرد غارت کرده، افرادش را به خاک و خون می کشیدند. پس از ورود به قریه «فصول» از حوالی احسا و عرضه کردن عقاید خود، مردم با آنان بیعت نکردند، در نتیجه سیصد نفر از مردان قریه را کشته، اموال و ثروت آنان را به غارت بردند».<sup>17</sup>

## 5) استفاده ابزاری از حرمین شریفین

برخاستن دین مبین اسلام از شبه جزیره عربستان و قرار داشتن بیت الله الحرام در مکه و مراقد مطهره پیامبرگامی اسلام و اولیای دین (علیهم السلام) در مدینه، عربستان را از نظر تاریخی در موقعیت ممتاز قرار داده است. در نظر بسیاری از مسلمانان جهان به ویژه مسلمانان خارج از منطقه خلیج فارس عربستان جلوه گاه اسلام واقعی است و وهابیون به عنوان پرده داران خانه کعبه و جانشینان پیامبر اسلام از آن بهره برداری می کنند.

در طول سال میلیون ها زائر از سراسر کشورهای اسلامی برای زیارت به این اماکن متبرکه می آیند وهابیون افزون بر اینکه سالانه ثروت هنگفتی ازین راه به دست می آورند با ایفای نقش میزبانی مسلمانان و نگرهبانی حرمین شریفین برای خود اعتبار و امتیاز کسب می کنند و از القاب مانند «خادم الحرمین»، «متولیان حرمین شریفین» و... استفاده می کنند وچنین موقعیتی برای پیشبرد اهداف و تبلیغ وهابیت موثر بوده است.



حاکمان سعودی با استفاده از نام بیت الله الحرام و فریضه حج کانون ها و مؤسسات متعددی را تشکیل داده و از این طریق استفاده تبلیغی می نمایند، آنان نام وزارت خانه مستقلی به نام « حج » تشکیل داده اند که وظیفه اساسی آن رسیدگی به مسایل حج و حجاج است و باید همه علماء و دانشمندان وهابی، آمادگی کامل برای بر گذاری مراسم داشته باشند و لزوماً احکام و پرسش های شرعی حاجیان را بر طبق مذهب وهابیت پاسخ گویند و همچنین اداره حرمین شریفین ( مکه و مدینه ) از وظایف عمده وزارت حج و شئون اسلامی است. این وزارتخانه به طور منظم، کتاب ها و مجلاتی را برای معرفی مکان های تاریخی و اعمال مذهبی مسلمانان طبق مذهب وهابیت چاپ و منتشر می کند. در فصلنامه فرهنگ پیویدر مورد بعضی از مؤسسات و نهاد هایی که وهابیون از آن هادر طول سال و بویژه در ایام موسم حج، برای تبلیغ تفکر وهابیت استفاده می کنند آمده است: گفتنی است مؤسسات و نهادهای متعددی مانند « مجلس الشورای الدعوه و الارشاد »، « المجلس الاعلی و الشئون الاسلامیه »، « ریاسة شئون الحرم المکی و الحرم المدنی »، « دور الحج فی نشرة الدعوة »، « هیئة الامر با لمعروف و النهی عن المنکر »، «الرسالة العالیة لا دارة الهجره العلمیه و الافتاء »، « الجماعة الخیریه لتحفیظ القران الکریم » و « هیئة الکبار العلماء » زیر نظر وزارت حج فعالیت می کنند که هر یک به سهم خود با برپایی جلسات، سخنرانی ها در داخل و خارج، تالیف کتب و چاپ و نشریات و توزیع واهدای آنان به ویژه در ایام حج ( ماه های ذی القعدة و ذی الحجه) به وظایف خویش عمل می کنند.<sup>18</sup>

در کتاب تحلیل نو بر عقاید وهابیان آمده است:

وهابیت برای پیش برد اهداف و زمامداری شان از امتیازات و فضایل تاریخی سرزمین حجاز استفاده میکنند نظیر این که پیامبر اسلام(ص)، در آن سرزمین مبعوث شده و آغاز اسلام، در آن مکان بوده است. چون اسلام نخستین بار از مکه و مدینه، توسعه پیدا کرد و مدینه تا مدتی پس از پیامبر(ص)، پایتخت اسلام و مرکز تصمیم گیری و نصب و عزل خلفا بوده است، امروز نیز مکه و مدینه باید مرکز اسلام باشد. همچنین، قرآن در سرزمین حجاز نازل شده و زبان مردم آن دیار را معیار بیان خود قرار داده و قبله گاه مسلمین، مکه معظمه و مشاهد مشرفه و امکان مقدسه، در آن جا واقع است. پادشاه این کشور، خادم الحرمین می باشد و رژیمش امکانات تبلیغاتی بیشتر در اختیار دارد.<sup>19</sup> علی محمدی آشنانی در کتاب شناخت عربستان وجود مکه مکرمه و مدینه منوره را یکی از عوامل اهمیت و جایگاه عربستان در نظام سیاسی منطقه و جهان دانسته و می گوید: طلوع خورشید عالمتاب اسلام و قرار گرفتن بیت الله و حرم نبوی در این کشور نقش بسیار مهمی در اهمیت یافتن عربستان در بین کشورهای اسلامی و جهان ایفا نموده است. تمام مسلمانان جهان همه روزه پنج نوبت هنگام راز و نیاز به سوی پروردگار شان به سوی کعبه نماز می گذارند و سالانه از اطراف و اکناف عالم برای انجام فرایض حج به آن سرزمین سفر می کنند. توجه به توسعه اماکن مذهبی و رفاه حجاج، چاپ و نشر گسترده قرآن کریم و بر گزیدن لقب خادم الحرمین الشریفین از سوی رهبر کنونی این کشور، نشانگر نقش مهم عامل مذهبی در اهمیت یافتن عربستان سعودی است.<sup>20</sup>

## 6) استفاده از موسم حج

موسم حج یکی دیگر از ابزار هایی است که برای وهابیت در راستای تبلیغ وهابیگری تاثیر گذار بوده است، موسمی که در آن صد ها حاجی مسلمان از اطراف عالم جمع می شوند مبلغان وهابیت با غنیمت شمردن این گرد همایی مسلمانان از سراسر جهان در ایام حج، نهایت تلاش خود را برای تبلیغ وهابیت به کار می گیرند و از این موقعیت به خوبی در نشر افکار خود سوء استفاده می کنند. آنان مبلغین زبان دان را این حجاج می فرستند، و با بحث علمی واهدای

انواع کتاب و دعوت به مراکز علمی شان - اگر از شخصیت های علمی باشند- به تبلیغ مذهب خود می پردازند. آنان حتی در بین حجاج شیعه و بویژه ایرانیان کتاب های فارسی بر ضد شیعه را در تیراژ بسیار بالا به طور مجانی توزیع می کنند، کتاب های که اهداف آنان را بسیار مرموزانه دنبال می کند و از این جهت در صدد تثبیت عقاید خود و تخریب عقاید شیعه و مذاهب دیگر اسلامی است. اما باید دانست که عقاید پوچ وهابیان نه تنها به شیعیان تأثیر نمی گذارد، بلکه سایر مذاهب اهل سنت نیز از عقاید و عملکرد آنها بیزارند. نمونه شکست آنان را در ایجاد گروه های انحرافی همچون طالبان و القاعده و فرجام آنان می توان دریافت. علی اصغر رضوانی می نگارد: طبق اظهارات یکی از بزرگان، در کشور تاجیکستان از سوی وهابی ها باغ بزرگی تهیه و از فرهنگیان جهت تدریس در محیط دانشگاه و مدارس اقدام به ثبت نام نموده و پس از یک دوره ی سه ماهه، حدود 400 نفر از برگزیدگان را به سوی عربستان برده و در دانشگاه «الاسلامیه» مدینه منوره طی دو سال دوره آموزش مبانی وهابیت و راه مبارزه با فرهنگ شیعه، آنان را به شهر های مختلف تاجیکستان و دیگر کشور های آسیای میانه اعزام کرده اند. مشابه به این کار در آذربایجان شوروی نیز انجام گرفته و حتی اسم کسانی را که همنام ائمه (ع) بودند، تغییر داده و سپس آنان را برای ترویج افکار وهابیت به کشور مبدأ اعزام نموده اند.<sup>21</sup> وی می افزاید: «فقط در ایام حج سال 1381، ده میلیون و 685 هزار جلد کتاب به 20 زبان زنده دنیا، (غالباً بر ضد شیعه) توسط دولت سعودی در میان زائران خانه خدا، توزیع شده است یکی از روحانیون سر شناس شیعه در منطقه ی قطیف کشور سعودی، در شب 12 رجب سال جاری (1382) در مکه مکرمه اظهار داشت: کتاب «لله ثم للتاریخ» که ضد شیعه است را با کامیون های بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کرده اند.»<sup>22</sup>

#### 7) حلال شمردن اموال مخالفین

وهابیت وقتی با شعار های دینی و جذاب بر مخالفین شان حمله می کرد و با فریاد توحید و مبارزه با مشرکین و بت پرستان هجوم آور می شدند در عمل هم جاذبه ای دلفریب داشت زیرا وقتی که وهابیان در نجد و خارج از نجد (همچون حجاز و یمن و شام و عراق) وارد پیکار می شدند ثروت هر شهری که با قهر و غلبه بر آن دست می یافتند بر مهاجمین حلال بود و جزو غنایم به حساب می آمد اگر می توانستند آن را جزو متصرفات و املاک خود قرار می دادند و در غیر این صورت به غنایمی که بدست آورده بودند اکتفا می کردند.<sup>23</sup>

#### 8) حمایت و پشتیبانی قدرت های استکباری

از جمله عواملی که تأثیر به سزایی در گسترش و تثبیت قدرت فکری و سیاسی وهابیت داشته، پشتیبانی کشورهای استکباری و قدرتمندی مانند انگلیس و آمریکا است. این دو کشور استعماری در طول تاریخ پیوسته از وهابیت پشتیبانی کرده اند و این سیاست همچنان با نفوذ شدید آمریکایی ها ادامه دارد، چنانکه بر اساس تاریخ، موضوع ارتباط محمد ابن عبدالوهاب با استعمارگران، و نقش موثر که دولت برتانیا برای پدید آوردن تفکر وهابیت داشته است از این ادعا حکایت دارد. دولت انگلیس به منظور دستیابی به ذخایر زیر زمینی و ثروت های کشورهای اسلامی، جلو گیری از گسترش اسلام ناب، گسستن وحدت امت اسلامی و تضعیف دولتهای اسلامی به فرقه گرایی و فرقه سازی دست زد و جریان وهابیت را در بین ممالک اسلامی را اندازی کرد. اکبر اسدعلی زاده می گوید: برتانیا با تمسک به نظریه بسیار خطر ناک و فتنه انگیز «مذهب علیه مذهب»، افراد روشن فکر مذهبی را با حيله های گوناگون، به خود جذب و با دیکته کردن سیاست های خویش به آنها، اهدافش را عملی ساخت. در همین راستا محمد ابن عبدالوهاب نجدی را پرورش داد و او را به ابن سعود سپرد و با پشتیبانی های فراوان از این دو،

راه را برای گسترش اندیشه های فرقه وهابیت هموار ساخت. بدین ترتیب، کشور استعمارگر انگلیس با طرح نقشه های حساب شده در پیدایش مذهب وهابی و گسترش و تثبیت این طرز تفکر در میان مسلمانان نقش مؤثری ایفا کرد. پس از تثبیت وهابیت به عنوان یک فرقه اسلامی مورد قبول غرب، آمریکای جنایتکار برای چپاول ثروت و منابع نفتی مناطق وهابی نشین، پشتیبانی خود را از آنها اعلام کرد. سران وهابی نیز برای حفظ موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان به سوی آمریکا دست دراز کردند<sup>24</sup> در کتاب خاطرات مستر همفر<sup>25</sup> جاسوس کهنه کار انگلیس در کشورهای اسلامی می خوانیم که وی با دانستن زبان عربی و فارسی و ترکی و گشت و گذار به ترکیه و عراق و نجد در پی شخصی بوده که بتواند او را وادار به ایجاد تفرقه در جهان اسلام کند تا پس از تثبیت حضور بریتانیا در هند به وسیله کمپانی هند شرقی، این سوی دنیای اسلام یعنی شبه جزیره العرب و اماکن مقدسه را نیز تحت سلطه داشته باشند. او می نویسد که من گمشده خود را در محمد بن عبدالوهاب یافتم زیرا پایبند نبودن او به ضوابط مذهبی و روح غرور و خودپسندی و تنفیری که از علمای عصر خود داشت و استقلال نظرش که حتی به خلفای چهارگانه (ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی) اهمیتی نمی داد و تنها به فهم خودش در قرآن و سنت اتکا می کرد از بارزترین نقاط ضعفی بود که می توانستم از این راه ها در او نفوذ کنم. همفر با همکاری زنی که او هم جاسوس انگلیس بود و نام مستعار صفیه را داشت محمد بن عبدالوهاب را بر آن داشتند تا دعوی خود را آشکار کند و سرانجام آن شد که پیروان او دست به تخریب اماکن مقدس اسلامی زدند.<sup>26</sup> وهابی گری به تحریک استعمار انگلیس برای تفرقه انداختن در بین جامعه مسلمین از هر وسیله ای کمک گرفت در برخی کشور های اسلامی نویسندگانی را به خدمت می گرفتند که با آثار و قلم شان برای گسترش تفکر وهابیت کار کنند تقریباً از جمله ایران نویسندگان مزدوری را گسیل داشتند که در بین مردم ترویج وهابیت کنند. در ایران پس از شهریور 1320 که قوای اشغالگر انگلیس وارد ایران شدند تنی چند از روشنفکرانهای به اصطلاح اصلاح طلب دست به رواج افکار وهابی زدند که از جمله شخصی به نام حکمی زاده بود. او جزوه ای به نام اسرار هزارساله نوشت و در آن گزیده افکار وهابی ها را به عنوان اندیشه های خود و ایراد و اعتراض به عقاید هزارساله شیعیان منتشر ساخت که امام خمینی (ره) در همان ایام کتاب کشف الاسرار را در رد آن نوشت و منتشر ساخت و دیگری احمد کسروی بود که در کتاب های خود از جمله کتاب شیعی گری به انتشار افکار وهابی ها پرداخت و مرحوم حاج سراج انصاری کتاب «شیعه چه می گوید» را در رد آن نوشت. نقش استکبار در پرورش جریان وهابیت بسیار مهم و حیاتی به حساب می آید زیرا چنانکه اشاره رفت برتانیای هم در احداث و تولید تفکر وهابیت فعالیت داشته و اشخاص کار آزموده را بکار می گرفته است و هم در بقا و استمرار آن از هیچ کمکی فرو گذار نکرده است. در کتاب جنبش های اسلامی معاصر می نویسد: بعد از جنگ جهانی اول در حال که شریف حسین حدود هشت سال حکومت متزلزل و نا پایدار حجاز را اداره می کرد ابن سعود امیر نجد در کمین او نشسته بود و مظهر فرصت بود و در همین حال که روابط حسنه ای با انگلیسی ها داشت از طریق یک انگلیسی متظاهر به اسلام از آنها مستمری دریافت می کرد. بعد از آن که ابن سعود با کارگردانی اصلی صحنه یعنی انگلیستان، درصد بر اندازی حکومت شریف حسین بر آمد و به حجاز و طایف و سپس مکه و مدینه حمله ور شد و تحت تصرف خود درآورد، دولت انگلیس پادشاهی ابن سعود را بر حجاز و سلطنت سعودی ها را بر نجد و حجاز طی پیمان جده در سال 1932/م اعلام به رسمیت شناخت و در سال 1932/م کشور عربستان سعودی به وجود آمد و منابع عظیم نفت شبه جزیره به شرکت های انگلیسی و آمریکایی آمد.<sup>27</sup>

انگلیستان در تثبیت حکومت سعودی ها و مذهب وهابی نقش به سزایی داشته است و می

توان گفت که بر تانیای آن زمان چنان در بین سعودی ها نفوذ داشته است که هر کجای منطقه را که بر تانیایی ها می خواستند سعودی ها داشته باشند تسلیم می کردند و هر کجا را که نمی خواستند به آنجا تسلط نداشتند.

همو در این مورد می نویسد:

«در دوره سوم انگلستان که در عین حمایت از دولت وهابی ابن سعود بایکپارچگی شبه جزیره عربستان مخالف بود، طبق سیاست همیشگی خود هم دولت ابن سعود را تحت حمایت داشت و مانع سقوط آن می شد و هم با قیام های داخلی قبایل و امیر زادگان دیگر در عربستان داخلی در ارتباط بود و جاسوسانی در میان آن ها داشت. «کاپیتان لیچمن» یکی از جاسوسان انگلیسی بود که با ابن سعود رابطه داشت و از او حمایت می کرد. به این ترتیب ابن سعود تا مدتی پس از جنگ جهانی اول نتوانسته بر امیر نشین شمار چیره شود ولی با توافق بر تانیا به کمک حکومت انگلیسی هند توانست به قلمروهای خود در شرق واقع در سواحل خلیج فارس و نیز الحسا دست یابد. همزمان با جنگ جهانی اول که ترکیه عثمانی هم پیمان آلمان شد آلمانها وارد منطقه شدند و در این زمان انگلیستان با واگذاری «الحسا» - که قبلا در دست عثمانی بود- به ابن سعود - هم آنها را علیه ترکها و آلمان ها تقویت و تجهیز کرد و هم در مقابل این حمایت ابن سعود را متحد و همراه خویش در جنگ کرد. دولت آل سعود نیز طی معاهده قطیف در دسامبر 1915/م به این امر گردن نهاد.»<sup>28</sup>

حامد الگار استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا پیرامون روابط سعودی ها با دولتهای استکباری می گوید: اولین ارتباط بین آل سعود و بر تانیا در سال 1865/1282 قبل از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد که با نزدیک شدن جنگ جهانی کمک های اقتصادی و مالی دولت بر تانیا به صورت فزاینده ای به جیب آل سعود سرازیر می شد. اما با شروع جنگ جهانی این پیوند در حد کمال رسید. در سال 1915/1333 بر تانیایی ها با عبدالعزیز ابن سعود امیر وقت سعودی قرار دادی را که معمولا با زیر دستان شان که به نام «قرارداد دوستی و همکاری» معروف بود منعقد کردند. در حقیقت مایه اصلی خریدن دوستی و همکاری بود و بر اساس همین قرار داد خریدن همکاری ها تا سال 1917/1335 امیران سعودی هر ماه پنج هزار پوند از اربابان شان در یافت می کردند تا در مقابل به عنوان مزدور امپراتوری بر تانیا ایفای نقش نماید. اما بر تانیا نیز از باب رضایتمندی نیز مناسب دانست که مدال ولقبی به قهرمان وهابیگری اعطا کند (در همان زمان ها مدال واعطای لقب دیگری هم به عبدالبهاء پسر بهاء الله مبدع بهاییگری داد) در سال های بعد این تشریفات ادامه یافت؛ در سال 1935/1354 عبدالعزیز بن سعود شوالیه فرقه باث (a knight of the order of the Bath) لقب گرفت. در سال 1984/1407 ملک فهد به هنگام دیدار با ملکه الیزابت عکسی گرفتند در حال که ملک فهد نشان بر تانیا با نماد صلیب را به گردن داشت.<sup>29</sup> هرچند برخی آورده است که سیاست های فکری اولیه ای جریان وهابیت توسط کشور بر تانیا تنظیم می گردید و بر محمد ابن عبدالوهاب دیکته می شد و او هم در مقابل در یافت کمک های اقتصادی و نظامی تعهد اجرای آن را داده بود. در کتاب چالش های فکری و سیاسی وهابیت آمده است: در سال 1143 ه.ق. پس از باز گشت محمد بن عبدالوهاب به نجد، بر اساس یک موافقت نامه سری بین انگلیس محمد ابن عبد الوهاب، اجرای عملی دعوت جدیدی آغاز می شود. وظایفی را که شیخ محمد کم کم و با پشت گرمی نظامی و مالی استعمار باید انجام می داد، به وی ابلاغ شد. این وضایف عبارت بودند از:

1. تکفیر مسلمانان و حلال کردن قتل آنان و غارت اموال شان و هتک ناموس و فروختن آنان در بازار برده فروشان و برده ساختن مدانشان و کنیز گرفتن زنان شان.
2. نابود کردن «کعبه» به نام این که جزو آثار بت پرستی است و مانع شدن مردم از حج و

- تحریک عشایر و قبائل به غارت قافله های حجاج و کشتن آنان.  
3. کوشش برای ایجاد روح نا فرمانی نسبت به خلیفه عثمانی؛ تحریک مردم برای جنگیدن با او و تجهیز لشکر هایی برای این منظور؛ مبارزه با شریف های حجاز با تمام وسائل ممکن و کاستن از نفوذ آنان.  
4. ویران ساختن قبه ها و ضریح ها و اماکن مقدسه و مورد احترام مسلمانان در مکه ومدینه و دیگر سر زمین های اسلامی به نام مبارزه با آثار بت پرستی و شرک و اهانت به شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و خلفای او وبزرگان اسلام.  
5. ایجاد هرج ومرج و آشوب ترور در شهر های اسلامی به هر اندازه که بتواند.  
6. انتشار قرآنی که کم وزیاد هایی - براساس احادیثی که مورد تحریف قرآن رسیده است- در آن عملی شده باشد.<sup>30</sup>

.399	.26.8	.807	.2356	.5	.107	.78.4	..78.377	.1452-143	.1
.25.18	.25.17	.16..26.15	.10814	.23413	.25.12	.2511	.138610	7 -	
.3924	.8123/9/11	198 43	.19722	- .21-.34	.10720	.138619	7 -		
.26.			.			1710	.110.25		
				.23	.39.30	.15329	.155.28	.54.27	